

هشدار مجاهدین خلق ایران

در باره توطئه حمله مسلحانه فتر مجاهدین

در تبریز

همچنانکه قبلاً بارها متذکر شدیم، برخی افرادی دست اندرکار توطئه‌ی تصفیه‌ی مجاهدین در روزهای آینده هستند. محمله دگر گردیم که یکی از نقشه‌ها ایجاد تجمع سرخی افراد اخیر شده یا ۱۵٪ کرده و فریب خورده در مقابل ساختمان دفاتر مجاهدین و بعد تیراندازی به سمت آنهاست تا به این وسیله واسطه‌ی ورود کنند که مجاهدین به طرف افراد بیرون ساختمان شلیک کرده‌اند. در همین مورد اخیر شخصی شکیه در صفحه ۳



* اساس دولت اسلامی اینست که طبقاتی فوق طبقه دیگری نباشد.

* اسلام بیش از هر چیز به آزادی عنایت دارد.

"امام خمینی"



سال اول - شماره ۸۱ - چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۵ ریال

پانزده خرداد:

تجربیه‌ی خونین خلق (۱)

زمینه‌ی تاریخی قیام

ما با آن جنگ دوه چپانی، امریکا به عنوان سربازان استعمارگر کوان کینسنگار و برجنادر اسرائیلسم چپانی در صحنه‌ی تاریخ ظاهر می‌شود. کرد و همچون سدی بر سر راه رهایی خلق‌ها قرار می‌گیرد. در سپهر ما سربازان ملی و صد استعماری مردم به زنجیری دگر مضدی، با توطئه‌ی امریکا به صورت کودتای ۲۸ خرداد سال ۳۲ رخ می‌کند.

آخرین روزهای گرم بهار بر سینه‌ی این سرزمین، لاله‌های سرخ رهایی می‌کارند. همواره حسن بوده است. فاضله‌ی سن خلقی سینه‌بند و زنجیری وابسته و خودکامه را چه حیرت‌آور می‌کرد و تپیر بر می‌کند. این منطق محبوسه اسرائیلسم‌ها و مردورسان است. ۳۱ تیر، ۲۸ مرداد، ۱۵ خرداد و ... اما برجم سرخ انقلاب همواره بر سر آسمان رهایی خلق می‌ماند. این را فراد جاویدان و خون همسند جوانان شیدا، سپادت می‌دهد.

من مصمم هستم از پای نشستم تا دستگاه فاسدی را به جای خود نشانم. من وظیفه‌ی خود می‌دانم تا آنجا که صدایم می‌رسد فریاد کنم. تا آنجا که قلم توانایی دارد بنویسم و منتشر کنم.

(امام خمینی)

محررم سال ۴۲، ایران در شب یک فریاد می‌سوزد. بعضی گریه‌ی سالیان دراز آزار و حفظان باز می‌شود و مستهای خلق به جان آمده کاج ظالمان را می‌لرزانند. رژیم مثل همسند جواب مردم را با گلوله و تانک می‌دهد. هزاران نفر به خاک و خون می‌غلظند و در آن

عملیات نظامی مجاهدین ۱۳ خرداد ۵۲

اعدام انقلابی مستشار امریکایی به مناسبت دهمین سالگرد ۱۵ خرداد

خرداد همچون رود جیروانی در پهنه‌ی تاریخ ایران یادگارهای فراوانی را با خود همراه دارد. از آن نیمی خردادخوین، ۴ خرداد ۵۱ و بعد از آن ۲۵ خرداد ۵۲ سپادت رضا و خرداد ۵۶ هجرت و سپادت معلم شهید سرعنی و ... این است که خرداد محو ماه خون نام گرفته‌است.

در این میان خرداد ۲۲ نقطه‌ی عطفی است در تاریخ مبارزات سپهر ما. در این روز مردی که با دست خالی به حسابها رخنه بود، مشاهده کردند دشمن با دیدن مسلحی را که به رنگار گل‌ولستان می‌رسد و بدین‌سان در تجربه‌ی تاریخی جویس درک کردند که: "هیچ‌گونه رابطه‌ی مسالمت‌آمیزی بین خلق‌ها و اسرائیلزم وجود ندارد. آنچه هست با آزار است و با تیرد."

گرچه آن سرکوب سدی از باس را بوجود آورد و در نسجه‌ی بسازی از عناصر و جریان‌های سیاسی، خود را از صحنه کنار کشیدند، ولی در عین حال برای پاک‌سازی که به نفع بود پد ظالمانی "راه جهاد را گشودند."

راهکارها از آن خرداد جویس کشت، اما خلق و بساهاگاس همچنان خاطره‌ی آن روزها و سزدرس - هابی را که از آن سکت آموختند فراموش نکردند.

مردن سربست اگر در اولین سالکست های بعد از خرداد ۴۲، جداگانه به یاد آن روزها مجلس یادبودی برگزار می‌شد، در سال‌های بعد از شروع سارزری مسلحانه مجاهدین با اعدام و مابودی دشمنان خلق، مردوران و وابستگان رژیم شاه و اربابان اسرائیلسم نابود حسن روزی را تا ناکند بر ادامه‌ی راه شهیدان برگزار می‌کردند. در طلوع دهمین سالگرد ۱۵ خرداد، یعنی ۱۳ خرداد ۵۲، سازمان مجاهدین خلق ایران اقدام تهنیه در صفحه ۳

درسها و پیام قیام ۱۵ خرداد

* پیام قیام ۱۵ خرداد را می‌توان مختصراً در کلمات "مکتب" و "انقلاب" خلاصه کرد.

* ۱۵ خرداد، پایان یک دوره، و آغاز دورهای جدید در روند مبارزات رهایی بخش میهن ما است.

* ۱۵ خرداد زادروز یک نسل انقلابی و هم چنین تجدید حیات یک مکتب انقلابی است.

۱۵ خرداد روزی فراموش‌شدنی در تاریخ ایران و نقطه‌عطفی در مسیر مبارزات رهایی بخش خلق قهرمان ما است. بزرگداشت این روز ماسد هر روز تاریخی دیشروفتی بزرگداشتی واقعی است که متضمن یادآوری محتوی و مضمون انقلابی آن و وفاداری و تعهد عمل کردن به درسها و پیام آن باشد.

متأسفانه امسال، در دومین بهار آزادی سالگرد قیام ۱۵ خرداد را در شرایطی گروامی می‌داریم که هائهای از نگرانی و اسهام (خصوصاً در رابطه با بیروهای انقلابی) بر فضای سیاسی میهن ما سایه افکنده‌است. در کنار این باید از فضای سیاسی کلا بحرانی کشور که حاکی از رشد روزافزون تهادهای درونی و منازعه بر سر قدرت است یاد کنیم و خطرات و تهدیدهایی را که این روزها جدی‌تر از همیشه از جانب امپریالیستها و صداانقلاب کلبت انقلاب ما را تهدید می‌کند بدان بیافزاییم. تمام این موارد و مسائل که از یک طرف حاکی از عزم حزم برخی عناصر و نیروهای وابستگار میهنی بر زیر پا گذاشتن مضمون قیام ۱۵ خرداد و از طرف دیگر نشان دهنده‌ی تصمیم قاطع امپریالیستها و ایدای صداانقلابی داخلی‌شان میهنی بر یورش به مورثت قیام ۱۵ خرداد و دستاوردهای انقلاب است وفاداری هرچه مستحکم‌تر نیروهای اصیل و متعهد را به درسها و پیام این قیام خوین اجبات می‌کند.

۱۵ خرداد - سی آنکه خواهیم در اینجا وارد توضیحات مفصل مربوط به آن نسویم - پایان یک دوره و آغاز دورهای جدید در روند مبارزات رهایی بخش میهن ما است. ۱۵ خرداد زادروز یک نسل انقلابی و همچنین تجدید حیات یک مکتب انقلابی است. ۱۵ خرداد نقطه‌ی پایان مبارزات رفرمیستی و زادروز "انقلاب" است. در این روز در میان آتش و خون نسل مصممی راده شد که ارتقا مبارزات رهایی بخش میهن ما را به یک حرکت طراز نوین انقلابی وجهی همت خود قرارداد. سلا سازمان مجاهدین خلق که سناکداران آن از نزدیک مبارزات منتهی به ۱۵ خرداد را تجربه کردند بودند. ما دریافت پیام قیام ۱۵ خرداد که می‌توان آن را مختصراً در کلمات "مکتب و انقلاب" خلاصه کرد به حرکتی جدید روی آورده و از افکار و روشهایی که تحارت عینی نرسودگی و کهنگی و عدم کارائی آنها را به کرات نشان داده‌بود ناطفاه بریدند. آنها بر ضرورت مبارزتی قهرآمیز و مکتبی که احاراً با نیستی از یک تشکیلات و سازمان انقلابی و دربرگیرنده‌ی عناصر صدیق و مومن برخوردار بوده و محمیته بی‌برری شده و سکل میگرد تا کبید کردند. آنها تدوین و اتخاذ یک خط منی انقلابی برای مبارزتی ضرورتاً مسلحانه را برای وارگون کردن رژیم شاه و رهایی میهن از چنگ امپریالیزم جهانی وظیفه‌ی سرم خوین تلقی کردند. و در کنار تمام دشواریها و مشکلات طاقت‌فرسایی که لازمه‌ی یک حرکت نوای انقلابی بود برای خود یک رسالت مکتبی سیر که مضمون آن درک و ارائه‌ی اسلام اصیل و انقلابی بود قائل شدند.

گفتنی است که در جریان مبارزات سالهای ۴۲ - ۴۵ و ما حضور فعال روحانیت مبارز در آن به رهبری امام خمینی سیر در واقع دو نوع اسلام از هم فاصله گرفته بود یک اسلام مسالمت‌جو تسلیم‌طلب و سازشکار و متضایل به قرار گرفتن در خدمت قدرتمندان و یک اسلام سرخوش و بیخون و مبارز و متضایل به قرار گرفتن در خدمت محروم مردم و قرار گرفتن در خدمت آنها، و همین اسلام بود که توان، بی‌سایه بود میز مکتب را به اذهان روشنگر و جوان انقلابی الهام می‌کرد، و آنها را به چستان تلاش دشواری در مسیر رسالت مکتبی فرامیخواند.

بهرحال این نسل انقلابی ۱۵ خرداد بود که در آن سالهای سخت و سیاه بعد از سرکوب و خشنه‌ی قیام نگذاشت که شعله‌ی انقلاب خاموش شود و با تلاش شانه‌زوری و تحمل انواع محرومیتها و به بد جان خریدن زندانها و شکنجه‌ها و نهایتاً با ایثار جان، آتش انقلاب مسلحانه را برافروخت و روند مبارزات رهایی بخش خلق را تعالی بخشید و صفحهای نوین و خونین در آن گشود. نتیجه‌ی همین تلاشها بود که بالاخره یک فرهنگ انقلابی نوین نیز پا گرفت و به میان مردم رفت، روشها و سنتهای انقلابی در فکر و ذهن توده و سپس در عمل آنها جایگزین سنتها و روشهای رفرمیستی گردید و تهنیه در صفحه ۳

هشیار باشیم!

* افزایش تحرکات صدا انقلابی در ایام اخیر

* چه کسانی قصد دارند با ایجاد یک تبار اسلحه و مدارک مصنوعی و به اصطلاح کشف آن چهره‌ی مجاهدین را خدشه‌دار کنند؟

امپریالیسم، صدا انقلاب، و در هر رسته‌ی و به هر شکلی اعمال و اسکرابان لحظه‌ی از توطئه‌ی حسنی بر سودا، از نهادن سیاسی - دیپلماتیک علیه انقلاب و نیروهای انقلابی و تبلیغاتی گریه‌ها با حمایت‌های غافل نیستند. این توطئه‌ها می‌تواند

متن پیام رادیویی برادر مجاهد مسعود رجوی

بدن سال اللّٰه اعلمها و بتوسّیای مکرری که از طریق رادیو برای بحث آزاد از سازمان مجاهدین و برادر مجاهد مسعود رجوی عمل آمد، برادر مجاهد ما بیانی را با صدای صیحه‌ی صدای خود به رادیو تلویزیونی شنیدیم نمود تا اثر مخالفت و شادی در کار ما باشد. برای اطلاع عموم هم میهنان ما بخت گردید همین این پیام حمی قضایای مربوط به این دعوت به احترام عنوان شده و در پایان محدود برای سرکند در جسدای نیرومند سیر انقلابی یادگاری گردید - است استگ ش پیام

بجاهدین خلق ایران همسم، اگر اطلاع دادند ناسنده‌ی دشمنان اعتراض سازمان ما به سخن برنامدی رادیویی در سالروز ۴ خرداد، یعنی روز سپادت سناکداران سازمان ما که سلسو از پطالت مادرست و غاری از

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم
هموطنان عزیز، بسندگان و سوندگان صدا و سمای جمهوری اسلامی
من مسعود رجوی عضو سازمان

چقدر جنگل خوشی، ملت و آس، خستا نبوستی می جان جانا، تراگوما، میرزا کوچک خانا

سروطه چه به دلیل تاریخی‌های درویمس و چه به دلیل معطل و عظیم ماندن بسویله‌ی ارتجاع حاکم، از تحقق آن عاجز مانده بود. میرزا، خود، در مبارزات سروطه فعالانه شرکت کرد و در این راه جوو پنج سال سعید از زادگاهش (رست) را نیز محمل شد. بیکار نیز در درگیری با عوامل محمدعلی - شاه نیز خورد و از طرف شاه محکوم به مرگ گردید ولی به باری عده‌ای از مرگ نجات یافت. درآسنای جنگ چپانی اول، اوضاع آشفته ایران و فقر و محرومیت و خستناک مردم که ناسی از

یادی از سردار جنگل

چهاردهم خرداد، شخصین سالگرد اعلام جمهوری گیلان سه و سله‌ی سردار جنگل - میرزا کوچک خان - است. در این روز مجاهدین جنگل، پس از سالها مبارزه بر علیه استعمارگران روس و انگلیس، حکومت وابسته‌ی مرکزی و فئودال‌های منطقه شمال ایران، وارد رشت شده و با اعلام جمهوری، آن منطقه را برای گسترش انقلاب به سراسر ایران، آزاد کردند. جنبش جنگل را می‌توان همچون سایر جنبشهای همزمان، ادامه‌ی جنبش سروطه و تلاشی برای نجات توده‌های محرومی دانست که

شصتمین سالگرد اعلام جمهوری در گیلان

عزت و حساسه‌ی استعمارگران بود. عده‌ای کشاورز، حرده مالک و کسی جز که اگر چه از سنس سیاسی حیدانی برخوردار نبودند ناس گرفته و جازا به دسی کنند. مذاکرات میرزا با سزان "اتحاد اسلام حول معطل شدن سروطه و سلطه‌ی استبداد و استعمار بود. عده‌ای از طبون با نفعی اقدامات فیه‌رآمیز، اتحاد سوههای ملایم و اصلاح طلبانه را بنسبهاد می‌کردند ولی میرزا و جندنتی دیگر سها راه نجات توده‌های محروم را در مبارزتی مسلحانه می‌دیدند. او برای ایجاد کانون مفاومی در برابر بیگانه، به همراهی یکی دیگر از مجاهدین سروطه، رهسپار مازندران شد و کمی بعد به جنگ "حراط مخله" نولم، رفت بازمنه‌ی

مردان جنگل مصمم بودند که با نبل به هدفتان، یعنی احراج تهنیه در صفحه ۳

شصتمین سالگرد ...

نیروهای استعمارگر و استقلال واقعی ایران، به آرایش سروسورت نبردازند و دست از سلاح، که یگانه دارائشان بود، برنندارند.

مجاهدین جنگل بعدها (سال ۱۲۹۹) هدفهای خود را به صورت مراسمهای مدون کردند. این مراسمها با برخورداری از اصولی منرفی همچون: "الف، کلیه شئون و امیازات" "آزادی فکر، عقیده، اجتماعات، مطبوعات، کار، کلام، تعطیل"، "ساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی"، "طبی کردن منابع طبیعی و کارخانجات"، محدود کردن مالکیت ارضی تا حدی که فقط حاصل آن عاید تولیدکننده شود." "ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظالصحه کارگران"، "اجباری کردن ورزش و مشق نظامی" برای مدارس ابتدائی و متوسطی و ... در نوع خود بی نظیر بود.

وحشت ارتجاع

نفوذ و گسترش سریع انقلابیون جنگل در میان نودهای زمختش روستائی، باعث ترس و وحشت فئودالها و نمایندگان منطفد منطقه از یکطرف و طبقات حکومت مرکزی و روسیه نزاری از طرف دیگر گردید. مجاهدین جنگل، از این پس مورد تهاجم بنیابی ترافهای روسی و زمینداران منطقه قرار گرفتند. اما به دلیل برخورداری از حمایت گستردهی بودایی و مسلط بودن بر مناطق جنگلی، به حوسی از پس این حملات برمی آمدند. حتی یکبار نیز طی یک درگیری در "ناسوله" به دلیل تهاجم گستردهی نیروهای دشمن و ریش برف سنگین و فقدان حوار و بار و مهمات جنگی، تا مرز نابودی کامل پیش رفتند ولی به ماه بعد مجدداً نیروهای پراکندهی جنگلی از کسنگها خارج شده، همدگر را بازیافته و مبارزه را ادامه دادند. از این پس "کسا" مرکز نیروهای مجاهد و "گوراب زرمج" مرکز ناسیبات نظامی گردید و تقریباً تمام منطقهی گیلان در ظلمورغون مجاهدین جنگل درآمد.

پس از انقلاب اکبر شوروی و سقوط پروسیم، امپریالیزم جهانجوار انگلیس با کمک بقایای ترقایهای روسی (که از پس ماندههای رژیم برای روسیه بودند) دامنهی دخالتش را تا مناطق شمالی ایران گسترش داده و به سرکوب نیروهای جنگل پرداخت.

با پایان گرفتن جنگ اول جهانی، انگلیس که از جنگ فاتح بیرون آمده بود، زمام امور ایران را به یکی از مهره‌های وابسته‌اش (نونو-الدوله) داد و سعی کرد با طمع جنگلی‌ها از طریق وعدهی دولت به آنها، آنان را بر علیه‌بلشویکها سوراند، اما میرزا دشمن اصلی را به خوبی تشخیص داده و خیال ذره‌ای سازش را در سر نمی‌پروراند.

عاقبت اداره سیاسی انگلیس در گیلان طی اظهارنامه‌ای با تکیه بر "تأمیل زمانداران دولت فحیمهی انگلیس به ترقی و تعالی مملکت!" و "به منظور" استحکام قوانین مملکت ایران!" به نیروهای جنگلی هشدار داد که اگر در ظرف ۴۸ ساعت، سلاح را بر زمین نگذارند و تسلیم نسوند "بمب و گلوله بر سرشان ریخته خواهد شد!"

متعاقب این اخطار، عده‌ای از عناصر خائن و نیز عناصر وارزه و مایوسی که کشش مبارزه در شرایط سخت رانداشتند خود را تسلیم نیروهای دولتی نمودند. تندباد حادثه و بلا بر جنگل وزیدن گرفته بود و مردان، آواره و گرسنه، در زیر تهاجمات گستردهی نیروهای دولتی، عقب‌نشینی می‌کردند. در اوج ضربات بی‌دری میرزا برای همراهانش سخن گفت:

... همه خسته فرسودهام. بی‌پول و بی آذوقه مواج با انواع مشکلات و در معرض تندباد حوادثیم ولی از شما می‌پرسم آیا برای عاشقان مهن و آبهائی که دارای درد وطن برسیند این گونه سخی‌ها دارای اهمیت است؟ آروز که ما بنگ به دوش گرفته برای استقلال ایران قیام کردیم و جنگل کردی و بیایان نوردی را پیشه ساختیم، صدها بار و وضعان از این بدتر بود، چه چیز در مقابل آنهمه سوانح و محاطرات ما را حفظ کرد؟ آیا جز نجات و اسقامت...؟ اما با این حال، میرزا، افرادی را در تسلیم شدن به دشمن و یا ماندن و سختی کشیدن مخیر کرد. بسیاری، ننگ تسلیم را بر محرومیت و رنج ترحیح دادند. شدت ضربه آنچنان بود که جز میرزا و تنی چند از باران پراکنده‌اش را در میدان مبارزه باقی نگذاشت. ایان باز به هم پیوستند و در اندیشهی ادامهی نبرد به بازسازی ضربات پرداختند.

بقیه زصفحه اول

کار نیست، اجازه بدهند که ما اول جواب‌هایمان را در ازای اتهاماتی که به ما وارد شده بدهیم و بعد از آن به بحث آزاد بپردازیم. ولی بازهم رادیو همان اعلامیهی دعوت به بحث آزاد را که در حقیقت مضمونش در درجهی اول ظفره رفتن از تقاضای نانویی جوابگویی ما بود، نگروا" در این روزها فزانت می‌کرد.

این طرز برخورد طبعیما برای ما عجیب بود که چرا باید مخصوصاً بعد از انصاف جناب آقای دکتر فراخی به عنوان مدیر عامل جدید رادیو و تلویزیون، باز هم ما باید شاهد روش‌های غیرانقلابی و غیر-اسلامی باشیم، مگر نه این است که مدیر عامل جدید آمده بودند که از همین روش‌ها جلوگیری بکنند. این بود که من برای اعلام آمادگی خودم برای بحث آزاد با ایشان تلفناً تماس گرفتم ولی ایشان گفتند که اصولاً از وجود چنین دعوی بی‌اطلاعت و اعلامیهی دعوت از مجاهدین و خود من هم بدون اطلاع و بدون دستور ایشان صادر شده و به همین دلیل در اعلامیه‌ای که روز یکشنبه ۱۱ خرداد در بعضی از روزنامه‌های کشور چاپ شده، اعلام کرده‌اند که رادیو تلویزیون مسئول اطلاعاتی است که با امضای غیر از روابط عمومی این سازمان منتشر شود نخواهد بود و حتی در صورت لزوم علیه روزنامه‌هایی که به انتشار چنین اعلامیه‌هایی می‌بادرت بکنند، اعلام جرم خواهد کرد.

ملاحظه می‌کنید که مسئله برای ما از هر حیث پیچیده‌تر شد، برای اینکه از یک طرف رادیو مدام سازمان ما و خود من را به بحث دعوت می‌کند و از طرف دیگر مدیر عاملش می‌فرماید که چنین چیزی صحت ندارد و ایشان هنوز دست‌اندر کار سازمان دادن مقدمات کارشان در این دستگاه هستند تا انشاءالله در اولین فرصت نوبت برسد به بحث‌های آزاد.

بالاخره ما در ادامهی تحقیقاتمان متوجه شدیم مسئولیت اعلامیهی دعوت به بحث آزاد به

عده‌ای مدیر تولید رادیو یعنی فردی به نام آقای "وهاجی" است که البته با تشخیص خودشان تصمیم می‌گیرند. بعد هم امروز دوشنبه دوازدهم خرداد بعدازظهر حدود ساعت ۳، رادیو ضمن برنامه‌ی دیگری، سازمان ما را مستقیم و غیر مستقیم منبم به ترس و برهیز از بحث آزاد و رودروئی عقیده کرد. و من باز هم تلفناً مزاحم آقای دکتر فراخی مدیر عامل بقیه زصفحه اول

وهیاجی گفت: که این به مدیر عامل مربوط نیست چرا که رادیو تلویزیون ۹ هزار پرسنل دارد و هر کسی مسئول یک قسمت است و وانگهی مدیر عامل باز به این دستگاه آمده و از این فضاها خبر ندارد.

من به ایشان گفتم که مسائل داخلی رادیو تلویزیون به خود آن دستگاه مربوط است و شما که مسئول دعوت از ما و این همه تحریکات

متن پیام رادیوئی برادر مجاهد مسعود رجوی

علیه ما هستند بالاخره موافقت می‌کنید که جواب من هم مقابلاً از رادیو پخش شود یا خیر؟

آقای وهاجی باز ضمن یکسری صحبت‌های دیگر اصرار داشت که شما نامه بنویسید که برای شرکت در بحث زیرینا و روبنا آماده‌اید و ما هم اعلام می‌کنیم.

من به عرض ایشان رساندم که نقضاتی من این است که ابتدا به دعوت شما که این همه از رادیو تکرار می‌شود جواب بدهم تا همدی قضایای مربوط به این دعوت از نظر مردم و شونده‌های شما روشن شود. بنابراین باز هم خواهش می‌کنم که خبرنگاری بفرستید تا جواب من را ضبط و بعداً هم شما پخش بکنید. در جواب ایشان گفتم که اولاً "ما از کجا بدانیم که شما مسعود رجوی هستید وانگهی ما امکانات نداریم که صدای شما را ضبط بکنیم و من باز هم به عرض ایشان رساندم که هم شمارهی تلفن سازمان مجاهدین را خدمت شما می‌دهم و هم کارت معرفی خودم و عند اللزوم شناسنامه‌ام را، تا قیمن بکنید که خودم هستم و اگر هم امکانات

صیظ کردن صدا ندارید من بوار صیظ شده را می‌فرستم خدمتتان با پختن بفرمائید. مخصوصاً که شما به این طریق می‌نود مطمئن شد که در این دعوت‌های مکرر قصد تحریک با ترقفاندازی و از این قیل قفاقد در کار نیست و خلاصه منظور از این همه اطلاعاتها و بیانه‌های بیایی که از رادیو خوانده می‌شود هر چه سسر مسح کردن اوضاع نیست و الا این که می‌شود که شما مدام بکظرفه حرف بزنید ولی جواب ما را به مردم نکونید.

همینطور من به اسنان باآوری کردم که ساسی پس از این بر خلاف دستور رئیس مستقیم‌تان عمل بکنم. ولی مسافعه‌علیرغم همدی این توضیحات آقای وهاجی قبول نکرد و من من مسامح که می‌بینم بحث آزاد هم وسیله‌ای شده برای بدگویی و سبایی علیه این فرد یا آن گروه، وسیله‌ای برای صغفه حسابهای خصوصی بر خلاف همدی قوانین و موازین و حتی بر خلاف دستور مدیر عامل صدا و سمای جمهوری اسلامی ایران.

این بود که به این وسیله از مقامات مسئول صدا و سمای جمهوری اسلامی تقاضا کردم و تقاضای منم که با پختن عراضم اجازه بدهند که همدی شنوندگان و بینندگان و هموطنان عزیزمان بدانند که اولاً "ما تقاضای احتقاق حق قانونی خودمان را در مورد جواب‌گویی به اتهامات رادیوئی داریم و تا نایا" برای این بحث واقعا "آزادی که در یک فضای سالم و خالی از تشنج و ترقفاندازی میسر باشد، همیشه آماده بوده و هستیم در پایان به عنوان یک مجاهد خلق آرزو می‌کنم که همدی ما، در وری مشافع تنگ نظراندهی گروهی و شخصی به مصالح عالیبهی انقلاب رهائی‌بخش ضد امپریالیستی و اسلامی‌ای ببیندیم که هرگونه تشرفه و تشنج در داخل صفوف خلق، زخم هولناک و خونینی بر پیکرش وارد می‌کند. به امید تحقق وحدت و برادری هر چه بیشتر، سلام بر شما - مستحکم.

صورت گرفته فرار بود همزمان با این تهاجم امپریالیستی ابادی داخلی نیز یک سری عطیلت نظامی در تهران صورت دهند.

با توجه به تمام هشدارهای ما مبنی بر افسای مدارک مربوط به این تهاجم و بی‌گیری و دستگیری عوامل داخلی آن، نقل مقامات دست‌اندر کار باعث شده است که ضد انقلاب که برخی نوظه‌ها و عواملش در این جریان رو شده بود، گستاخ‌تر شده و به فکر نوظه‌های جدیدتری بیفتند.

آ- گفته می‌شود نوظه‌ی وسیعی علیه مجاهدین در جریان است. به این معنا که کنایها و اسام و مدارک جعلی فراوانی را در کنار مفادیری سلاح و مهمات در محلی به اصطلاح مخفی قرار داده و در موقعیتی مناسب با به اصطلاح کشف آن به عنوان یکی از انبارهای سازمان و انعکاس و نمایش آن در وسایل ارتباط

هشدار مجاهدین خلق ایران ...

شده که در تیریز طرحی را آماده کرده‌اند تا با شیوهی فوق بر علیه مجاهدین توطئه کنند. به این منظور گروهی ساختمان دفتر مجاهدین و خانه‌های اطراف تهیه شده و فاصله‌ها و ارتفاع دیوارهای ساختمان - های مشرف به ستاد به دقت تعیین شده است. این طرح قرار شده عصر روزهای چهارشنبه یا پنج شنبه یا جمعه اجرا شود، طرح شامل دو قسمت است.

الف: عدهی افراد اجیرشده راتحت عنوان مردم جلوی ساختمان جمع می‌کنند تا آنها بر علیه مجاهدین شعار دهند.

ب: از قسمت پشتی ساختمان دفتر مجاهدین از خانه‌های که متعلق به ابادی آن هاست شروع به تیراندازی و حمله و هجوم به ساختمان دفتر مجاهدین و نیز افرادی که جلوی ساختمان جمع شده‌اند، می‌کنند. تا به این وسیله وانمود کنند که مجاهدین از ساختمان به سمت مردم شلیک کرده‌اند.

این نقشهی خائسانه باعث می‌شود تا اولاً "تهاجم مسلحانه به ساختمان مجاهدین موجه جلوه داده شود. ثانیاً "به این وسیله افراد ناآگاه را به حمله به سوی ساختمان تحریک کنند.

هشیار باشیم!

عمولی و بورش و ترور نظامی، به طور کلی ضد خلق در طرح و اجرای این قبیل توطئه‌ها هیچ حد و مرزی نمی‌شاند و برای آن صرفاً رسیدن به اهداف شیطانی و ضدانقلابی مطرح است.

یکی از راه‌های مقابله با این توطئه‌ها افسای آنها قبل از اجراست از این طریق با افزایش آگاهی تودمائی و ایجاد آمادگی و زمینهی ذهنی در آنها می‌توان حتی المقدور توطئه را خنثی نمود. در عین حال این افشاکاری می‌باید بر هشیاری نیروهای خودی افزوده و مواظبت‌های ضروری سیاسی و امنیتی را افزایش دهد.

بر اساس توضیحات فوق تصمیم گرفتیم که با بازکردن یک سنون "هشیار باشیم" در مجاهد حتی - المقدور به نقل موارد مختلف فتنه - گری‌های ضد انقلابی اقدام کنیم. در این رابطه سعی می‌کنیم برای اجزای حداکثر هشیاری چه در نیروهای انقلابی و چه در کل تودهی مردمان اخبار و ردیاب‌هایی را که در این رابطه بدست آورده‌ایم، نقل نمائیم. همچنین می‌توانست مسائل را هم که جنبه‌ی به اصطلاح افشاکاری نداشته اما هشیاری و آگاهی انقلابی تودمائی را بالا ببرد، منعکس کنیم.

سعی می‌کنیم صرفاً موارد موقتی را نقل کنیم و یا مواردی را که نسبتاً (در حد قابل قبول) موقتی بوده و به افزایش هشیاری کمک کند. همچنین بدیهی است که بعضی موارد مشخص را وقتی نقل می‌کنیم که در صورت لزوم در دادگاه هم قابل طرح و دفاع باشد اما بازهم از آنجا که گاه ممکن

بقیه زصفحه اول

است تکمیل کردن مدارک و رساندن آنها به درجه به اصطلاح محکمه‌پسند باعث ناخبرات جریان ناب‌دیری شود. اینست که خود مورد را (به منظور افزایش هشیاری) بطور کلی و حتی سربسته نقل می‌کنیم. از جمله این‌ها: - برخی گزارشات حفاظت از توطئه‌های خائسانه‌ای از طرف ضد انقلاب (عناصر ساواک و افسران وابسته به رژیم گذشته) در شرف تکوین است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

- طی هفته‌ی گذشته برنامه‌ی رادیویی وابسته به ضد انقلاب که از خارج کشور پخش می‌شود علاوه بر تهاجم تبلیغاتی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ابادی خود را برای تدارک یک به اصطلاح قیام مسلحانه - لعی! فرا خوانده است و در همین زمینه فرامینی نیز صادر نموده است.

- در تهران و برخی شهرستان‌ها ساواک‌ها و وابستگان به رژیم شاه خائن که از ترس خشم خلق ما به گوشه‌ای خزیده بودند در مرتبه آفتابی شدند و مرتباً "جلساتی نیز باهم دارند. حتی شنیده شده است که از خانه‌ی یکی از این مزدوران که تصادفاً دستگیر شده چند قبضه سلاح نو و آمادهی عطیلت بدست آمده است.

- اعلامیه‌های متعدد و جزواتی که زمینه را برای سلطنت طلبان خائن آماده می‌کند این روزها از طرف ضد انقلاب به وفور پخش شده است.

بر اساس مدارک و بررسی‌هایی که از حلقه‌ی نظامی امریکا به طیس

